

بررسی نظام اخلاقی عفاف در سوره نور از منظر قرآن کریم

اسما عابدی نربین

چکیده

تحلیل گزاره‌های اخلاقی در قرآن کریم با استفاده از روش تحلیل محتوا و ارائه‌ی یک مدل نظام اخلاقی با هدف تعیین و تبیین عوامل مؤثر در تحقق آنها برای هدایت فرد و جامعه حائز اهمیت است. استخراج مضامین مربوط به عفاف در سوره‌ی نور و تحلیل آنها در این پژوهش نشان می‌دهد که این مضامین حوزه‌های فرد، خانواده و اجتماع را در بر گرفته و به‌منظور ساخت یک مدل و ساختار در حوزه‌ی عفاف، چهار مؤلفه‌ی این نظام، یعنی اصول و مبانی، مقدمات، الزامات و موانع را در این باره تبیین کرده است. مدل ارائه‌شده، جامعیت نظام اخلاقی حاکم بر سوره‌ی نور با موضوع عفاف را نشان می‌دهد. همچنین استفاده از روش تحلیل محتوا در بررسی آیات سوره‌ی نور نشان می‌دهد که حجاب از الزامات نظام اخلاقی عفاف است و چون عینی‌ترین رفتار اخلاقی در این نظام محسوب می‌شود، می‌توان به‌عنوان شاخص به آن توجه کرد.

واژگان کلیدی: سوره‌ی نور، تحلیل محتوا، عفاف، حجاب، نظام اخلاقی

مقدمه

انسان به تنهایی در عرصه‌ی تربیت و پرورش استعدادهای بالقوه‌ی خود در سایه‌ی ایجاد تعادل بین امیال و کشش‌های گوناگون درون خود عاجز است؛ لذا وحی الهی موثقت‌ترین قوانین و مقرراتی که متضمن سعادت انسان است را به وی گوشزد می‌کند و برای تأمین سعادت انسان، انجام و ترک پاره‌ای از امور را در قالب بایدها و نبایدها بر مکلفان اجبار و الزام می‌کند و انسان برای رسیدن به سعادت، با اراده و اختیار خویش آن الزامات اخلاقی را انجام می‌دهد.

یکی از این الزامات اخلاقی عفاف است که متأسفانه پژوهش‌های انجام شده با شیوه‌های معمول پرسش‌های اساسی درباره‌ی نقش و کارکرد هدایتگری این مفهوم اخلاقی را بدون پاسخ گذاشته است. در این پژوهش، مفاهیم اخلاقی عفاف از سوره‌ی نور استخراج شده است تا با بررسی و طبقه‌بندی آنها و تبیین نظام اخلاقی عفاف از منظر این سوره به این سؤال پاسخ داده شود که این مفهوم در قالب یک نظام اخلاقی از منظر قرآن چگونه امکان هدایت فرد و جامعه‌ی بشری را در برابر انحرافات اخلاقی دارد؟ در حوزه‌ی مباحث نظری این پژوهش، تبیین مفاهیم کلیدی همچون اخلاق، عفت و تحلیل محتوا برای درک و دریافت صحیح مطالب ارائه شده ضروری می‌نماید.

اخلاق

اخلاق جمع خُلق به معنای اندازه‌گیری و تدبیر (راغب، ۲۹۶: ۱۴۱۲) و یا از ریشه‌ی «خُلق» به معنای نصیب و بهره‌ی مشخص است (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۳) هر دو معنا را می‌توان برای واژه‌ی «اخلاق» صحیح دانست، زیرا شخص با اخلاق کسی است که از فضائل اخلاقی بهره‌ی فراوانی دارد و همچنین کسی است که در تدبیر و نظم حالت نفسانی خود تالش می‌کند. همان‌گونه که راغب خُلق و خُلق را در اصل یکی می‌داند، با این تفاوت که خُلق مخصوص اشکال و اجسام و صورت‌هایی است که با حواس درک شود و خُلق ویژه‌ی قوا و سجایایی است که با فطرت و دید دل درک شود (راغب، ۲۹۷: ۱۴۱۲). از نظر علمای علم اخلاق، حسن خلق ملکه‌ی نفسانی است که با عادت دادن نفس بر امور نیکو با فکر و تأمل و یا با صبر و پایداری بر آن در وجود انسان خُلق می‌شود (نراقی، ۶۰: ۱۳۶۶)، و در قرآن کریم با عنوان «تزکیه» از آن نام برده شده است که در کنار تعلیم کتاب و حکمت از اهداف رسالت پیامبر اکرم است (بقره: ۱۵۱). شیوه‌ی زندگی مردم در واقعیت از مبانی فکری و معرفتی، ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای اخلاقی مقبول آنها ناشی می‌شود (کرمانی و صالحی، ۱۱۰: ۱۳۹۶). بر این اساس می‌توان گفت، آراستن مردم به اخلاقی شایسته از جمله اهداف اصلی در تعالیم قرآنی و رسالت پیامبر اکرم بوده است.

عفت

عَفَّ در زبان عربی به معنای خودداری و پرهیزکردن از چیزی که غیرقانونی و خالف شرع باشد (زوزونی، ۱۳۴۵: ج ۱، ص ۱۴۹) عَفَّ. در زبان‌های هم خانواده‌ی عربی یعنی عبری، سریانی و آرامی نیز همان معنا را می‌دهد (Zammit, 2002: 992) و راغب آن را حالت نفسانی می‌داند. که از غلبه‌ی شهوت جلوگیری می‌کند (راغب اصفهانی، ۵۳۷: ۱۴۱۲). با توجه به این تعاریف، عفت به معنای خودداری مطلق نیست، بلکه اعتدال در ارضای شهوات و خواسته‌های طبیعی مانند میل جنسی است که به عقیده‌ی روان‌شناسان از عاقله به بقا و ماندن سرچشمه می‌گیرد و برای انسان الزم است و شرع و عقل نیز این حد از تمایلات را مجاز دانسته‌اند. در علم اخلاق، عفت این است که قوه‌ی شهویه تحت فرمان عقل باشد و از اوامر و نواهی آن پیروی کند تا آزادی به دست آورد و از اسارت و بردگی هواهای نفسانی خالص شود (نراقی، ۱۳۶۶) و فضیلت بودن عفت به این است که انگیزه‌ی اتصاف به آن و صدور آثار آن تنها برای نفس و حصول سعادت حقیقی باشد، نه چیز دیگر از قبیل دفع

ضرر یا جلب نفع یا اضطراب و ناچاری (همان)، و عفاف اصطلاحی اخلاقی به معنای پاکدامنی و خویشترداری در برابر تمایلات بی بندوبار جنسی است.

مبنای نظام اخلاقی قرآن

هر مذهب اخلاقی که شایستگی بهره‌مندی از نام اخلاق را داشته باشد، بر عنصر الزام بنیان نهاده شده است. از این رو الزام قاندهای اساسی و عنصری مرکزی است که نظام اخلاقی با عناصر ساخت‌واره‌ای آن، برگرد آن می‌چرخد (دراز، ۲۱: ۱۴۰۸). بی‌تردید این الزام و اجبار، اعتبار و ارزش خود را از جایی یافته است. برخی دانشمندان معتقدند، عقل و مدرکات آن سرچشمه‌ی این الزامات‌اند و بر این باورند که مفاهیم اخلاقی از خصوصیت ویژه‌ای در نهاد گزاره‌های اخلاقی حکایت می‌کنند که عقل آنها را دریافته است و به الزام آن حکم می‌کند.

در مقابل، اندیشمندان اسلامی بر این باورند، قرآن کریم که منبع اصلی تبیین علم اخلاق است، برای دستیابی به اهداف خود مانند عدالت و تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت، بایدها و نبایدهایی را بر مکلفان اجبار و الزام کرده است که این بایدها و نبایدها پایه‌های نظام اخلاقی را تشکیل می‌دهد. عالمان شیعه معتقدند که روح توحید در اخلاق اسلامی جاری است و همه‌ی اجزای دین اگر خوب تجزیه و تحلیل شود، به توحید برمی‌گردد (مححص و بهادری، ۴۶: ۱۳۹۶). نظام اخلاقی اسلام بر نوعی جهان‌بینی مبتنی است که وجود خداوند را مبدأ و آفریننده‌ی موجودات و انسان را موجودی وابسته و نیازمند به او معرفی می‌کند؛ لذا طبیعی است برای اینکه سیر این نظام مبتنی بر حقایق و هماهنگی با واقعیت‌ها و برکنار از اوهام و تخیالت باشد، ناگزیر باید به رابطه‌ی عبودیت و ربوبیت فوق توجه و براساس این اصل و با مالحظه‌ی آن برنامه‌ریزی شود. مصباح یزدی، ۱۳۷۷:

بنابراین، سرچشمه‌ی الزامات اخلاقی اوامر الهی است که از طریق وحی به بشریت ابلاغ می‌شود. اوامر و نواهی خداوند نیز تسلیم و تابع مصالح و مفاسدند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۰۸). بنابراین، اصول اخلاقی بر پایه‌ی سعادت بشر نهاده شده است. در بررسی نظام اخلاقی اسلام بیش از هر چیز باید بر موضوع اختیار انسان تکیه کرد، اگرچه تأثیر عوالمی نظیر وراثت و محیط و... در افعال انسان انکارناپذیر است، اما در نهایت آنچه کار را تعیین می‌بخشد و به انجام می‌رساند، اراده‌ی انسان است. از این رو، از منظر قرآن کریم، هر اندازه که انسان اراده و اختیار دارد، به همان اندازه مسئول است. در نهایت، باید گفت که نظام اخلاقی قرآن کریم نظامی دینی است و پایه‌ی دستورهای آن، رابطه‌ی انسان با خداوند است. انسان هدایت نخستین را از خداوند دریافت کرده است و این توانایی را دارد که با الهام از هدایت الهی و با اراده و اختیار خویش برای رسیدن به سعادت آن الزامات اخلاقی را انجام دهد. به همین دلیل الزام است، برای استخراج مبانی و اصول الزامات گزاره‌های اخلاقی به قرآن کریم مراجعه و از این سرچشمه کسب فیض کرد.

ساختار اخلاقی سوره‌ی نور

قرآن کریم ابتدا در سوره‌های معارج و مؤمنون به موضوع عفاف اشاره می‌کند؛ در این دو سوره، حفظ فروج و تعهد در پای‌بندی به همسر درکنار اعمالی چون نماز و زکات از صفات شاخص مؤمنان عالم می‌شود. سپس در سوره‌ی احزاب، با امر به پوشیدن جلباب به موضوع حجاب پرداخته است و در نهایت در سوره‌ی نور به تفضیل از عفاف و ارتباط آن با حجاب سخن گفته است.

بخش اعظم سوره‌ی نور شامل آداب اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در حوزه‌ی مفهوم عفت قرار می‌گیرند، چنانچه طبق گفتار معصومین، تالوت سوره‌ی نور و توجه به مضامین آن، دامان انسان را از ننگ بی‌عفتی حفظ می‌کند و زنان را در پرتو دستوراتش از انحرافات مصون می‌دارد (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۵۳؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۶، ص ۱۴۱). سید قطب، یکی از مفسران معاصر، معتقد است که محور سوره‌ی نور، تربیت است و سرآغاز سوره دلیل بر توجه قرآن به اخلاق در زندگی به خصوص عفاف است (قطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۴۸۵). موضوع سوره شامل آداب تربیتی است که این آداب باعث تطهیر قلوب مسلمین و اتصال قلوب به نور الهی می‌شود (همان، صص ۲۵۲۵ - ۲۵۳۰). آدابی که با اجرای حدود قوت می‌یابند و با تأثرات وجدانی استوار می‌شوند و قلب را به نور خدا متصل می‌کنند (حوی، ۱۴۲۴: ج ۷، ص ۳۶۸۰). همچنین خداوند در این سوره، تعلق قلوب و ابصار را به خودش متذکر می‌شود و آنها را به خشیه و تقوای الهی فرا می‌خواند، زیرا این خشیه و تقوا ضامن آن اوامر، نواهی، اخلاق و آدابی است که خداوند آنها را در این سوره واجب کرده است (قطب، ۱۴۱۲: ج ۴، صص ۲۵۲۵ و ۲۵۳۶).

صاحب تفسیر نمونه نیز این سوره را، سوره‌ی پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگی‌های جنسی می‌داند و معتقد است بعضی آیات این سوره که به مسائل توحید و مبدأ، معاد و تسلیم‌بودن در برابر فرمان پیامبر اشاره می‌کند، به این دلیل است که پشتوانه‌ی همه‌ی برنامه‌های عملی و اخلاقی، مسائل اعتقادی و ایمان به خداست و اعتقادات ریشه‌ی برنامه‌های اخلاقی است (مکارم، ۱۳۷۴). براساس نظرات مفسران درباره‌ی سوره‌ی نور می‌توان مفاهیم اخلاقی عفاف را از سوره‌ی نور استخراج کرد و به روش تحلیل محتوا، نظریه‌ای در این موضوع ارائه داد. بنابراین، با رمزگذاری آیات بر اساس مفاهیم و مضامین و مقوله‌بندی آنها، موضوعات یا مؤلفه‌های زیر بر اساس جمع‌بندی مقوله‌ها به دست آمده است.

جدول ۱. اصول و مبانی اخلاقی تبیین‌شده در سوره‌ی نور

ردیف	شماره	آیه	کد
۱	۱۴	وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ	امید به رحمت خداوند
۲	۱۸	وَيَسِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ	وحی الهی بر اساس علم و حکمت
۳	۲۴	يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَبْدَانُهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ...	ایمان به معاد و حسابرسی
۴	۲۵	اللَّهُ تَوَّابٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...	ایمان به خدا
۵	۴۱	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...	مالکیت خداوند نسبت به همه‌ی آسمان و زمین و حق قضاوت و داوری او
۶	۴۲	وَلِلَّهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ	مالکیت خداوند نسبت به هستی
۷	۵۴	قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...	اطاعت خدا و رسول او (ﷺ)
۸	۶۴	الْإِنِّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ...	عالم‌بودن خدا نسبت به اعمال انسان

آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی نور به مهم‌ترین اصل گزاره‌های اخلاقی قرآن اشاره می‌کند. توحید و ایمان به مبدأ هستی اصلی است که در تعیین الزامات اخلاقی قرآن مهم‌ترین نقش را دارد و در این سوره به عنوان یک مبدأ مهم در رسیدن به فضیلت عفاف به آن اشاره شده است. در این آیه خداوند به نور یاد می‌شود و آثار و مظاهر این نور در قلوب انسان‌ها با عمل به آدابی که در سوره بیان شده، ممثل می‌گردد (قطب، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۴۸۵). به عبارت دیگر، نور الهی، نور معرفت و ایمان است که دل‌ها و دیده‌های مؤمنین را روشن می‌کند و به وسیله‌ی عمل صالح آشکار می‌شود.

خداوند در این سوره، اصلاح و تربیت فرد را در موضوع عفاف حول محور ایمان و معرفت بیان می‌کند، زیرا کنترل غریزه‌ی جنسی بدون استفاده از پشتوانه‌ی ایمان ممکن نیست (مکارم، ۱۳۷۴ ج ۱۴، ص ۴۷۸) با توجه به آیات ۱۴، ۱۸، ۴۱ و ۴۲ شامل اعتقاد به مالکیت، حکمت، رحمت و علم الهی در کل هستی است. ارزش‌های اخلاقی اسلام بر حقایق این سوره، ایمان اعتقادی ثابت ولایت‌غیر بنیان‌گذاری شده است و در تربیت اسلامی بیشتر روی مؤلفه‌هایی که در تکامل انسان مؤثرند، تأکید می‌شود. یکی از عوامل مؤثر در تکامل انسان معرفت او به واقعیت هستی و رهایی از جهل نسبت به ابتدا و پایان سرنوشت خود است؛ لذا معرفت او به قوانین حاکم بر هستی، مهم‌ترین انگیزه و پشتوانه‌ی محکمی در حفظ یک فضیلت اخلاقی است. به عبارت دیگر، فعل او با انگیزه‌ی الهی مقدس می‌شود.

ایمان به معاد و تسلیم‌بودن در برابر فرمان پیامبر از دیگر اصول ذکر شده در آیات ۲۴ است؛ با این توضیح که پشتوانه‌ی همه‌ی برنامه‌های عملی و اخلاقی مسائل اعتقادی است (مکارم، ۱۳۷۴ ج ۱۴، ص ۳۵۵). اعتقاد به معاد فعل و عمل فرد را محدود نمی‌کند و وجود عالمی نامحدود در پیش‌رو، عظمت عملی را که می‌خواهد انجام دهد، روشن می‌کند. اطاعت از فرمان رسول نیز دغدغه‌ی گم‌شدن در مسیر یا نداشتن راهبری کامل را از بین می‌برد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرآن کریم در سوره‌ی نور، عفاف را در قالب یک آموزه‌ی اخلاقی تبیین کرده است. بررسی آیات سوره‌ی نور بر اساس تحلیل محتوا و در قالب جداول، بیانگر این نکته است که مضمون آیات این سوره ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد و قرآن کریم رویکردی سه‌جانبه در تبیین این فضیلت اخلاقی داشته است.

پایه‌گذاری ارکان نظام اخلاقی عفاف در سه حوزه‌ی نامبرده نشان می‌دهد که هرکدام از این سه حوزه به‌تنهایی نمی‌تواند یک نظام اخلاقی را ایجاد و حفظ کند و این امر از اهمیت و تأثیرگذاری این سه حوزه در عفاف حکایت می‌کند؛ برای مثال اگرچه پشتوانه‌ی اعتقادی ایمان در ایجاد عفت فردی نقش اساسی دارد، اما باید توجه داشت که ایجاد برخی الزامات قانونی از سویی و ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی سالم از سوی دیگر در جامعه برای حفظ عفاف فردی و اجتماعی اهمیت دارد. همچنین از بسترسازی زمینه‌های شکل‌گیری خصلت عفت در فرد در محیط خانواده نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. نتایج تحلیل محتوای آیات سوره‌ی نور نشان می‌دهد که مفهوم اخلاقی عفاف در این سوره، در قالب مؤلفه‌های اصول و مبانی، الزامات، مقدمات و موانع تبیین شده است.

منابع

- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی. «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، ش ۲، (زمستان ۱۳۹۰).
- باردن، لورنس، ۱۳۷۴. تحلیل محتوا، ترجمه‌ی ملیحه آشتیانی و محمد یمینی‌دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پاکتچی، احمد، ۱۳۹۲. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل حجاب، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- جانی‌پور، محمد. «ساختار نظام‌مند مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی در سوره اسراء»، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۱۹، ۱۳۹۲
- حاجی عبدالباقی، مریم. «روش قرآن در طرح مسأله‌ی حجاب»، نامه الهیات، ش ۱، زمستان ۱۳۸۶
- حوی، سعید، ۱۴۲۴. الساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام.
- دراز، عبدهلل، ۱۴۰۸. دستور الخالق فی القرآن الکریم، ترجمه‌ی عبدالصبور شاهین، بیروت